

یادداشت

حاشیه‌ها در حال آسیب دیدن هستند فکری کنید



فتی آزاد ارمکی

اتفاقات امسال مانند اعتراضات سال ۹۸ به خاطر یک سری اقدامات عجولانه و از پیش اعلام‌نشده به وقوع پیوست. شهرهایی به غیر از تهران درگیر ماجرا هستند که همین امر هم وجه اشتراک اتفاقات امسال ۹۸ با است. در سال ۹۸ طبقه متوسط حضور داشت. اما حضورش کم نبود. امروز طبقه متوسط که باید این مسئله را تجزیه و تحلیل کند، غایب است. از آنجایی که طبقه متوسط غایب است، احتمال فرآگیری و تکرار این وقایع کم بوده و این به نفع دولت است. دولت از فقدان طبقه متوسط بهره برده و بی‌تردید می‌تواند این وقایع را مدیریت کند. جامعه تصمیم گرفتند با بعقب‌انداختن واکنش، با موضوعات برخورد کنند. وقتی جامعه را رصد کنید، می‌بینید وضعیت اعتراضی است. اما وضعیت عمل اعتراضی نیست. فقط اعتراض، زبانی و کلامی است. این‌ها برای دولت هم فرصت است هم تهدید. فرصت این است که می‌تواند شرایط را توجیه کند و با ابداع یک سری روش‌ها پروژه حذف یارانه‌ها را پیش ببرد. اما اگر طبقه متوسط معترض شود و با این طبقه برخورد شود، طبقه متوسط هم دست به عمل اعتراضی می‌زند. نکته بعدی که باید آن توجه شود، نحوه مدیریت پروژه حذف ارز ترجیحی است. حذف ارز ترجیحی قبل از عید اعمال شد و اثرات خود را هم روی قیمت‌ها گذاشته بود. اما شیوه برخورد نامناسب، بار دیگر باعث گرانی شد، امکانش بود که به شیوه دیگری مسئله را مدیریت کرد تا قیمت‌ها این‌چنین افزایش نیابد. کالاها از امروز به بعد بین ۳۰ تا صددرصد گران می‌شوند و قیمت بسیاری از کالاها نسبت به سال گذشته صددرصد افزایش یافته است. این گرانی مجدد به خاطر حذف ارز ترجیحی نیست. به خاطر این است که دولت اعلام کرد «ارز ترجیحی» را حذف کرده است. نباید این خبر اعلام می‌شد. از سویی دیگر افزایش یارانه می‌تواند موجب رضایت دهک‌های پایین درآمدی شود. ولی برای بقیه اقشاری که در معرض افزایش صددرصدی قیمت‌ها هستند، این ویژگی را ندارد. تحقیقات در خصوص تحولات در آشوب‌های اجتماعی نشان می‌دهد وقتی قرار است امتیازی به جامعه دهید، اما این فرایند را عقب می‌اندازید، جامعه واکنش نشان می‌دهد و این امتیاز را به عنوان حق پیشین خود در نظر می‌گیرد نه حق پسین. یعنی گروهی که یارانه را گرفته با خود می‌گویند: این یارانه باید خیلی قبل‌تر داده می‌شد، چرا ندادند؟ از الان به بعد چرا گرانی است؟ چرا یارانه بیشتری داده نمی‌شود. و… با توجه به همه این موارد پیشنهاد من به دولت این است که به وعده‌های خود پایبند باشد و آن‌وقت جامعه هم بازخورد مثبت خواهد داشت. یادتان باشد دولت حذف ارز ترجیحی افزایش یارانه‌ها را در فضای عمومی و سیاسی به قاجاق گریه زد و گفت ماکارونی و کالاها به صورت قاچاق از کشور خارج می‌شد و ۱۵- ۱۶ میلیون جمعیت حاشیه ایران یارانه‌بگیران هستند. من پیشنهاد می‌دهم دولت این استم به آنچه خود گفته وقادر بماند. اگر دولت نتوانست قاجاق را مدیریت کرده و سروسامان دهد، جامعه هم واکنش نشان داده و با خود می‌گوید کالاهای اضافی دیگر از کشور خارج نشده و به جامعه باز می‌گردد و من می‌توانم کمک کنم دیگر مردم وارد نشود. سامان قاجاق هم دست دولت است. مرزها را سامان دهد، ورود و خروج کالا را کنترل کند. دنبال افراد نرود، دنبال کل شبکه باشد. شبکه را شناسایی کرده و به مردم معرفی کند. آن وقت دیگر خبری هم از کولبری، قاجاق در جنوب با قایق کوچک و… نخواهد بود. بخشی از جمعیت به عرصه تولید باز می‌گردد و این جمعیت فعال با احساس شادمانی از حاشیه به مرکز می‌آید.مشکل این پروژه آن است که به حاشیه‌ها آسیب می‌رساند، ناامنی ایجاد کرده و اقتصاد به هرز می‌رود، اما اگر جلوی قاجاق را بگیریم شهرهای استان‌های حاشیه فریه شده و از گرسنگی و فقر و نابرابری نجات می‌یابند.

عباس عبیدی، فعال سیاسی در گفت‌وگو با «شرق»:

پیوست رسانه‌ای به جای محدودکردن رسانه‌ها



عباس عبیدی، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی، در پاسخ به پرسش «شرق» مبنی بر اینکه اعمال محدودیت یا نداشتن پیوست رسانه‌ای هنگام اعمال سیاست‌های کلانی چون اصلاح ساختار یارانه‌ها چه عواقبی دارد، گفت: به نظر می‌رسد اعمال چنین سیاست رسانه‌ای ناشی از فقدان اعتمادبه‌نفس در میان سیاست‌گذاران است؛ چون سیاست‌گذاری که اعتمادبه‌نفس دارد، می‌داند که می‌خواهد چه کند و کارش توجیه‌پذیر و قابل دفاع است. از این رو طرح آن را به عرصه عمومی می‌آورد، به اقتراح و به نظرخواهی مردم و نتخجان گذاشته و اجازه می‌دهد درباره آن صحبت و گفت‌وگو شود. در ادامه هم اگر گنائی از میان این گفت‌وگوهای عمومی به دست آمد، سیاستساز اصلاح می‌کند. اگر هم نه که سیاستساز را انجام می‌دهد و جلو می‌رود. ولی هنگامی که چنین شوک‌هایی را به صورت ناگهانی به جامعه یا اقتصاد وارد می‌کنند، حتی اگر این برنامه‌ها در ذات خود خوب هم باشند به‌طور قطع و یقین بازتاب منفی در افکار عمومی به جا خواهد گذاشت و با آنها مخالفت می‌شود. حتی ممکن است موجب زمین خوردن آن طرح خوب هم بشود، چه رسد به طرح‌هایی که کلیر لاود و ابهام داشته باشند. در چنین شرایطی وجود یک پیوست رسانه‌ای به جای اعمال محدودیت برای رسانه‌ها از مزلومات اجرای هر سیاستی است. اما برای پاسخ به این پرسش که به جای پیش‌گرفتن این سیاست مخرب رسانه‌ای چه کار دیگری باید کرد؟ پاسخ بستگی به این دارد که آن مجموعه سیاست‌گذار چه اندازه به راه و روش خود اعتقاد دارند و چقدر اعتمادبه‌نفس دارند که آن را در عرصه عمومی منتشر کنند. در جریان اعتراضات چند روز اخیر که در پی اصلاح نظام یارانه‌ای و حذف ارز ترجیحی و البته گرانی‌های رسمی و غیررسمی شکل گرفت، شاهد تکرار رفتار مشابهه آبان سال ۱۳۹۸ هستیم. زمانی که دولت تصمیم گرفت قیمت بنزین را افزایش دهد و به قیمت واقعی نزدیک کند. در هر دو بار بدون آماده‌سازی افکار عمومی و پیوست رسانه‌ای، دست به انجام این کار زند که به‌طور طبیعی تبعات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی امنیتی دارد. قطعا بهتر است به جای اینکه اجازه دهید گذشته تکرار شود، برای اقیاع افکار عمومی از طریق رسانه‌ها اقدام کنیم و نیز رسانه‌ها را در پوشش اخبار ماجرا و واکنش‌ها محدود نکنیم.

بایدها و نبایدهای یک تحول اقتصادی

میلاذ علوی: «بگذارید رسانه‌ها در سخن گفتن و در انتقادردنشان آزاد باشند. خودمان را در معرض نقد قرار دهیم. دولتی که در معرض نقد قرار نگیرد، بدون شک اسیر فساد خواهد شد؛ این عین اظهارات ابراهیم رئیسی در زمان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ است. او آن روزها هنوز سکنان مدیریت قوه مجریه را به دست نگرفته بود و در قامت کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری و البته رئیس قوه قضائیه به تشریح دیدگاه‌های خود می‌پرداخت. از آن روزها تاکنون حدود ۱۰ ماه گذشته است. اوضاع هم به کلی درگرون شده. اعتراضات در برخی شهرها و شهرستان‌ها به گواه خبرگزاری‌های وابسته به دولت در حال وقوع است.

خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا دست‌کم هشت شهر را که شاهد برگزاری تجمعات مردمی بوده‌اند معرفی کرده است؛ لرستان، اندیمشک، اهذه، درفول، یاسوج، شهرکرد، جوقنان، خرم‌آباد، فارسان و ششاپویه. ایرنا این تجمعات را «برکنده» اعلام و از آسیب به اموال عمومی خبر داده و البته از پایان تجمعات با دخالت «نیروهای اطلاعاتی» هم نوشته است. این شاید یکی از معدود اطلاع‌رسانی‌های صورت‌گرفته پس از افزایش قیمت‌ها و اقدامات دولت در زمینه تغییر نظام پرداخت یارانه نقدی و حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی بوده است. اقداماتی که به گواه نظران و فعالان سیاسی و مدنی و رسانه‌ای، چه در پیوست رسانه‌ای و اقتاع افکار عمومی و چه نوع مواجهه با تجمعات مردمی، مانند آبان ۹۸، دست رسانه‌ها بسته است. گواه این مدعا هم شاید گزارش منتشرشده در نوروزیو، بلیگاه اطلاع‌رسانی نزدیک به خبرخانه شورای‌عالی امنیت ملی باشد: «هر اقدامی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم موجب ایجاد مانع در مسیر پرستنکلاخ دولت برای اجرای این قانون (اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها) شود، به طور قطع ضربه به منافع ملی تلقی شده و مستوجب برخوردی متناسب با اثرات مخرب آن است». اینکه این برخورد متناسب شامل چه مواردی است، چندان مشخص نیست همان‌طور که خبر دقیقی از تعداد بازداشتی‌ها و آسیب‌دیدگان احتمالی در دست نیست. از میان رسانه‌های رسمی، خبرگزاری ایرنا فقط بازداشت ۲۲ نفر در درفول و یاسوج را تأیید کرده است. پیگیری‌های خبرنگار «شرق» از منابع محلی آمار‌ها را تأیید می‌کند و همزمان از بازداشت تعدادی دیگر از معترضان در اهواز و حمیدیه و آبادان و حتی خرم‌آباد و یاسوج حکایت دارد. قوه قضائیه اما تا این لحظه آسامری از این مهم ارائه نکرده است.

خوزستان معترض است

آنچه در این میان و در خلال اخبار منتشرشده در خبرگزاری‌های دولتی و فیلم‌های انتشاریافته در شبکه‌های اجتماعی شاید به نوعی مغفول مانده، صدای مردم خوزستان است. محمد

کارشناسان در گفت‌وگو با «شرق»

راهکارهای اجرای بهینه‌تر حذف ارز ترجیحی را ارزیابی کردند

بایدها و نبایدهای یک تحول اقتصادی

میلاذ علوی: «بگذارید رسانه‌ها در سخن گفتن و در انتقادکردنشان آزاد باشند. خودمان را در معرض نقد قرار دهیم. دولتی که در معرض نقد قرار نگیرد، بدون شک اسیر فساد خواهد شد؛ این عین اظهارات ابراهیم رئیسی در زمان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ است. او آن روزها هنوز سکنان مدیریت قوه مجریه را به دست نگرفته بود و در قامت کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری و البته رئیس قوه قضائیه به تشریح دیدگاه‌های خود می‌پرداخت. از آن روزها تاکنون حدود ۱۰ ماه گذشته است. اوضاع هم به کلی درگرون شده. اعتراضات در برخی شهرها و شهرستان‌ها به گواه خبرگزاری‌های وابسته به دولت در حال وقوع است.

سکوت پارلمان

تیمی یکی از فعالان مدنی خوزستانی است. تا پارسال ساکن سوسنگرد بود و امسال در اهواز زندگی می‌کند. دلیل این مهاجرت درون‌استانی هم کار است و مشکلات معیشتی. تیمی در جریان گفت‌وگویی خود با خبرنگار «شرق»، اوضاع و احوال این‌روزهای شهرهای مختلف خوزستان را روایت کرده و گفته است: «پایه اصلی غذاهای ما در خوزستان نان است. نان که نباشد، انگار غذایی هم نیست. گرانی نان مستقیم روی زندگی مردم اثر می‌گذارد. سطح درآمدی در خوزستان بسیار پایین است. اعتراضات هم از مناطق کم‌برخوردارتر و حاشیه‌ای شروع شد. همچون تیرماه ۱۴۰۰. ما در خوزستان برای خرید نان، پول قرض می‌کنیم. بعضی از مردم هم نسیه نسان می‌خرند و پسول آن را بسا یارانه‌ها پرداخت می‌کنند. حالا تصور کنید که همین نان گران شود، خوب مردمی که درآمد ثابت ندارند و عمدتا دست‌فروشان‌اند، چطور قور است نان شب خود را تهیه کنند؟ زمانی است که شما کارمند هستید و آخر هر ماه، درآمد مشخصی دارید اما وقتی این خبرها نیست، اگر یک روز کار نکنی، یک هفته گرسنه خواهی بود. در چنین شرایطی افزایش قیمت‌ها برای جان مردم است. شاید ندانید اما بعضی از مردم در خوزستان دیگر پول خرید آب هم ندارند. اینجا ما مجبور به خرید آب معدنی هستیم چون آب لوله‌کشی نداریم. وقتی نه آب هست و نه نان، طبیعی است که مردم واکنش نشان دهند».

تیمی، فعال مدنی ساکن خوزستان در بخش دیگری از اظهاراتش گفت: «اگر کسی به اشتباه مسجدی را آتش زد، نگویید همه معترضان انتفاشاگر هستند. چرا کسی حرف ما خوزستانی‌ها را گوش نمی‌دهد؟ درآمد مردم در خوزستان هر روز کمتر و کمتر شده است. ما دیگر نتوانای خرید نان هم نداریم. چرا می‌گویید فقط چهار قلم کالا گران می‌شود؟ اینجا از کرایه تاکسی گرفته تا آرد و گندم گران شده است. همه چیز دومینووار در حال افزایش است و ما منبع درآمدی نداریم. نه کشاورزی و نه هیچ چیز دیگر».

محمود جام‌ساز در گفت‌وگو با «شرق»:

بدون رفع تحریم و اصلاحات اساسی مشکل اقتصاد و مردم حل نمی‌شود

فصل اینترنت

محمود جام‌ساز، استاد دانشگاه و اقتصاددان، در گفت‌وگو با «شرق»، دو مسئله ساختار معیوب و مریض اقتصاد دولتی و تحریم‌ها را مشکلات اساسی امروز کشور از نظر اقتصادی دانست و گفت یارانه ۴۰۰ هزار تومانی امروز حتی از یارانه‌های ۴۵ هزار تومانی در دولت‌های نهم و دهم هم ارزش کمتری دارد و نمی‌تواند پاسخ‌گوی گرانی‌ها و مشکلات معیشتی مردم باشد.

مسئله خوزستان

۴۰۰ هزار تومانی امروز تنها ۱۴ دلار است و به‌هیچ‌وجه نمی‌توان با این میزان یارانه انتظار داشت که مردم نگران نباشند و هزینه‌های تحصیل‌شده بر زندگی آنها پوشش داده شود. و نهایتا دولت مجبور است برای حل مشکلات به‌وجودآمده، مجددا یارانه‌ها را افزایش دهد و این سیکل معیوب دائما تکرار خواهد شد. این شرایط در وضعیتی رخ داده که سید مصرفی مردم روزبه‌روز کوچک‌تر شده است و هر روز شاهد اعتراضاتی هستیم، چراکه با وجود انتظارات تورمی مردم ناشی از حذف ارز ترجیحی یکباره متوجه شدید کالاهای اساسی دیگر قیمتش افزایش یافته است. درحال‌حاضر یک شانه تخم‌مرغ به حدود صد هزار تومان رسیده است و سؤالی اینجاست که آیا در چنین وضعیتی این یارانه‌ها، جواب‌گوی گرانی‌ها هست و قاطعانه باید پاسخ داد به‌هیچ‌وجه نیست. در شرایطی که پس از افزایش قیمت‌های اخیر بسیاری در حال احتکار کالا هستند، نمی‌توان وضعیت مناسبی را در آینده پیش‌بینی کرد. از سویی دیگر در زمانی هم که چنین مشکلاتی نبود، ستاد تنظیم بازار در زمینه قیمت‌گذاری شکست می‌خورد و در خودرو هم شاهد این وضعیت و عملکرد، از ستاد بودیم. درحال‌حاضر نیز تصمیم بر واردات خودرو شده؛ اما معلوم نیست چه کسانی واردات خودرو را انجام می‌دهند و چنین سیاست‌های اقتصادی دولتی در شرایط کنونی و با توجه به وضعیت کلی اقتصاد کشور باید گفت که همواره از دو جهت اقتصاد ایران با مشکل مواجه شده و ضربه خورده است. یکی به دلیل سیاست‌های معیوب اقتصادی و دوم ناشی از تحریم‌ها و بسته‌بودن اقتصاد که مزید بر علت شده است؛ چراکه در این وضعیت نه‌تنها از تحریم‌ها ضربه می‌خوریم و معلوم نیست تاکی این وضعیت ادامه خواهد داشت؛ بلکه مسائل ایدئولوژیک را با مسائل سیاسی قاطی کرده‌ایم و نهایتا تبدیل به اقتصاد سیاسی ایدئولوژیک می‌شویم؛ اما باید به این نتیجه رسید که هیچ اقتصاد ایدئولوژیک سیاسی در دنیا مانند اقتصاد روسیه، ونزوئلا کوبا و… موفق نشده است که ایران بتواند در این زمینه موفق شود. بنابراین تا مشکل ساختاری مشکلات کنونی اقتصادی ساختاری است. ساختار اقتصادی دولتی امروز مریض است و حتی اگر درد را شناسایی کنیم، با این ساختار نمی‌توانیم جزاینت درمانی کنیم. از سویی دیگر با یارانه‌هایی که واریز شده و قیمت‌های افزایش‌یافته هزینه‌های بسیاری برای دولت به وجود آمده

با توجه به این وضعیتی که در کشور از گرانی‌ها و اعتراضات مردم پیش آمده است، چه راهکاری را مناسب می‌دانید و دولت باید چه کاری انجام دهد؟

اگر اقتصاد آزاد، رقابتی و شفاف باشد، هیچ‌گاه نقدینگی در کشور از پنج هزار تریلیون تومان و تورم از چهار درصد بالاتر نخواهد رفت؛ اما درحال‌حاضر شاهد رکوردشکنی هرساله نقدینگی و تورم‌های بالای ۴۰ درصد هستیم؛ درحالی‌که دولت با افزایش ۱۰درصدی حقوق به گونه‌ای موجب ناراحتی شفر حقوق‌بگیر کارگران و کارمندان می‌شود. مشکلات کنونی اقتصادی ساختاری است. ساختار اقتصاد دولتی امروز مریض است و حتی اگر درد را شناسایی کنیم، با این ساختار نمی‌توانیم جزاینت درمانی کنیم. از سویی دیگر با یارانه‌هایی که واریز شده و قیمت‌های افزایش‌یافته هزینه‌های بسیاری برای دولت به وجود آمده

این وضعیت تحت عنوان throttle نام می‌برد. به زبان ساده‌تر، در چنین شرایطی دولت‌ها به جای قطع یکباره اینترنت، پنهانی باند را به‌طور روزانه کاهش می‌دهند. اوضاع در شهرهای مختلف اما متفاوت است. اینترنت در این مناطق شب‌ها به مراتب بدتر از روزهاست. در اهواز اوضاع از دیدش بهتر شده است. در اهذه، حمیدیه، آبادان، یاسوج، اردبیل و دیگر شهرها نیز اختلال‌هایی گزارش شده که دست‌کم سه نفر از فعالان حوزه ارتباطات در گفت‌وگو با خبرنگار «شرق» به تأیید آن پرداخته‌اند. قدرت‌الله حمزه شلمزاری، نماینده مردم جوقنان در مجلس اما این موضوع را تأیید نمی‌کند. او به «دیدهبان ایران» گفته که اینترنت در تهران عالی است ولی خبری از حوزه انتخاباتیه خود ندارد حال آنکه گزارش‌هایی از اختلال در این شهر گزارش شده است.

هشدار کارشناسان

همه این اتفاقات و کنش و واکنش‌ها، ناظران را نگران کرده است. فتی آزاد ارمکی، جامعه‌شناس در بخشی از گفت‌وگویی خود با خبرنگار «شرق» که به این مسئله پرداخته و با یادآوری گذشته گفته است: «اتفاقات امسال مانند اعتراضات سال ۹۸ به خاطر یک سری اقدامات عجولانه و از پیش اعلام‌نشده به وقوع پیوست. شهرهایی به غیر از تهران درگیر شده‌اند هستند که همین امر هم وجه اشتراک اتفاقات امسال با ۹۸ است». او همچنین از غیبت طبقه متوسط در اعتراضات فعلی گفته و تأکید کرده است: «اگر باید بدانیم که پرداخت‌های یارانه‌ای راه‌حلی مقطعی و بسیار ناپایدار است. شاید مردم در ماه‌های اول و دوم به پرداخت یارانه‌ای به این شکل رضایت دهند و اکتفا کنند اما خیلی زود متوجه می‌شوند که این پول هم دردی از آنها دوا نمی‌کند. دولت باید راه‌حلی اساسی پیدا کند. تا کی می‌خواهند این سیاست‌های ناپایدار و بیمارگونه را به اجرا بگذارند و وضع را وخیم‌تر کند؟ اگر حداقل وضعیت ثابت می‌ماند، حرفی نبود اما این سیاست‌ها وضع را به‌مراتب بدتر کرده و خزانه دولت را خالی می‌کند و ارزش ریال باز هم کاهش پیدا خواهد کرد.

همه این اتفاقات به صورت سلسله‌وار در جامعه عمل می‌کند و پیامدهای خوبی به دنبال نخواهد داشت.

شیوه اجرای این‌گونه سیاست‌ها می‌تواند چه بازخوردهایی به دنبال داشته باشد؟

اگر دولت به سرعت به فکر اصلاحات عمیق و لازم در حوزه اقتصاد نباشد، قطعا شکاف دولت و جامعه از این هم بیشتر خواهد شد که یکی از مهم‌ترین عواقب سیاسی تصمیمات این‌چنینی است. علاوه بر این فضای بی‌اعتمادی میان دولت و مردم شکلی می‌گیرد که تعمیم آن می‌تواند عواقب جدی به نظر داشته باشد. فساد و زددی‌های برخی از کسانی که مسئولیتی دارند و هر روز خبر آن را می‌خوانند و می‌شنوند. و… همه دست به دست هم دادند تا آن مردمی که سال ۱۳۵۸ اگر ۵۰۰ تومان حقوق می‌گرفتند و ۳۰۰ تومان خرج داشتند، باقی آن را به حسابداری اداره‌شان برمی‌گردانند؛ حالا نسبت به بسیاری از مسائل اعتراض و امتدادشان کاهش پیدا کرده است. یکی از دلایل مهم پیشان حالی مردم و دولت هم به سیاست خارجی بازمی‌گردد. گفتمان سیاست خارجی ما مربوط به دهه ۸۰ میلادی است که هنوز فروپاشی شوروی رخ نداده و جهان دوقطبی بود. مبارزه با امپریالیسم معنا داشت. بعد از فروپاشی شوروی هم اگر یک دهه همان سیاست استقرار پیدا می‌کرد، شاید عواقب منفی در بر نداشت اما در ۲۰ سال گذشته دنیا به سرعت تغییر کرده و این مفاهیم، معنا و بار ارزشی‌شان را از دست داده‌اند. طبیعی است که از آن زمان تاکنون دنیا متحول شده، جامعه متحول شده و دست‌گاه دیپلماسی حاضر نیست پایه‌های تحولات اجتماعی پیش بیاید و این فاصله‌ای که به وجود آمده به نفع دولت، ملت و کشور نیست.



چقدر امنیتی‌تر کردن فضا می‌تواند شرایط را بیچیده‌تر کند؟
نگاهی که دولت به پیرامون اجتماعی خود دارد، دو علت دارد؛ اول، این نگاه به دهه ۱۹۸۰ یا دهه ۶۰ شمسی بازمی‌گردد. این وضعیت الان تغییر کرده است. این مردمی که امروز اعتراض می‌کنند و شعار می‌دهند در همین نظام رشد کرده‌اند یا حتی از نیروهایی هستند که در این انقلاب سهم داشته‌اند. در واقع مردم توقعاتی داشتند که برآورده نشده و ناراحت هستند. دومین علت این است که آقایان فکر می‌کنند اگر ما سخت بگیریم، اتفاقی نمی‌افتد. من چون از زبان برخی از آقایان شنیدم این موضوع را مطرح می‌کنم، این دو موضوع با هم گره خورده است. شاید مقداری هم ال‌گوبرداری از چین است. البته چین از نظر اقتصادی پیش رفت و توانست مردم را به طرق مختلف راضی کرده و طبقه متوسط را گسترش دهد. این در حالی است که پس از هر اعتراض مردمی در ایران هیچ تغییری به سمت و سویی بهبودی رخ نمی‌دهد. دست روی دست می‌گذارند و با برجام هم مخالفت می‌کنند. چین هم به مرور متوجه شد سیستم اقتصادی بسته و هدایت‌شده را به جای نفع نمی‌برد، طرف اقتصاد آزاد را پذیرفت و تحولات اقتصادی ایجاد کرد. با این حال سیستم اجتماعی کمونیستی را حفظ کرد.اگر بخواهند روال سابق را در سیاست خارجی ادامه دهند، تحریم‌های کم‌رشدکن آسیب‌زاست. در ایران امروز نمی‌توان درها را بست. برخی مسئولان که خودشان و فرزندانشان به همه جای دنیا رفت‌وآمد دارند، بنابراین باید این سیاست را کنار بگذارند.

به نظر شما چه باید کرد؟
اگر همه چیز مثل ۳۰ سال پیش بود و دولت می‌گفت الان درگیر مذاکراتی هستیم و نیاز به کمک و همراهی مردم داریم، مطمئن باشمید که مردم می‌پذیرفتند و همراهی می‌کردند. اما در حال حاضر شرایط فرق کرده است. مردم در شرایط سخت معیشتی قرار دارند. از طرفی اخباری از داخل و خارج می‌شنوند که برخی از مسئولان در چه زندگی‌های اشرافی‌ای غرق شدند. از طرف دیگر محاسبات غلطی وجود دارد که اگر با معترضان برخورد نکنیم، اوضاع از کنترل خارج می‌شود. دولت اگر با مردم صادقانه برخورد کند و جلوی زددی‌ها را بگیرد، شاید اوضاع فرق کند. الان مدت‌هاست پیوندهای فساد را مسکوت گذاشته‌اند. ماجرای سیسمونی نوه قالیباف پنهان است. مردم به این بخش که هویدا شده، حمله و نقد می‌کنند. اما این معنا نیست که مردم به خاطر چند قلم سیسمونی عصبانی شده‌اند. مردم از بسیاری چیزهای دیگر عصبانی هستند و هر چیز را بهانه می‌کنند تا

توصیه شما به دولت در مواجهه با اعتراضات و سیاست‌های پیش‌گرفته، چیست؟
دولت باید با مردم صادقانه برخورد کند. تنگ‌دستی‌ها را بگوید و اوضاع را شرح دهد، اما سخت‌گیری‌ها در حوزه اجتماعی را کمتر کند. مردم رسیدگی را به پیونده‌های ارتشا و اختلاس و… از سر گرفته شود. مردم را آرام کند.

گفت و گو

احمد نقیب‌زاده، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران
در گفت‌وگو با «شرق»

هر اعتراض و معترضی را ضد انقلاب تلقی نکنیم



مرحان زهرانی: احمد نقیب‌زاده، استاد علوم سیاسی دانشگاه‌تهران به تحلیل آنچه دولت در قالب طرح تغییر سیستم نظام یارانه‌ای انجام داد و موجبات اعتراضاتی را فراهم آورد، پرداخته و تأکید کرده که امروز نمی‌توان هر اعتراض و معترضی را ضدانقلاب خواند و به برخورد با آنان پرداخت.

دست‌کم در پنج سال اخیر این چندمین بار است که شاهد اعتراضات مردمی هستیم، اعتراضاتی که معیشتی است اما اغلب سوبه‌های سیاسی، اجتماعی و… دارد. به نظر شما با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی امروز، سیاست پیش‌گرفته‌شده درست بوده است؟

باید بدانیم که پرداخت‌های یارانه‌ای راه‌حلی مقطعی و بسیار ناپایدار است. شاید مردم در ماه‌های اول و دوم به پرداخت یارانه‌ای به این شکل رضایت دهند و اکتفا کنند اما خیلی زود متوجه می‌شوند که این پول هم دردی از آنها دوا نمی‌کند. دولت باید راه‌حلی اساسی پیدا کند. تا کی می‌خواهند این سیاست‌های ناپایدار و بیمارگونه را به اجرا بگذارند و وضع را وخیم‌تر کند؟ اگر حداقل وضعیت ثابت می‌ماند، حرفی نبود اما این سیاست‌ها وضع را به‌مراتب بدتر کرده و خزانه دولت را خالی می‌کند و ارزش ریال باز هم کاهش پیدا خواهد کرد.

همه این اتفاقات به صورت سلسله‌وار در جامعه عمل می‌کند و پیامدهای خوبی به دنبال نخواهد داشت.

شیوه اجرای این‌گونه سیاست‌ها می‌تواند چه بازخوردهایی به دنبال داشته باشد؟

اگر دولت به سرعت به فکر اصلاحات عمیق و لازم در حوزه اقتصاد نباشد، قطعا شکاف دولت و جامعه از این هم بیشتر خواهد شد که یکی از مهم‌ترین عواقب سیاسی تصمیمات این‌چنینی است. علاوه بر این فضای بی‌اعتمادی میان دولت و مردم شکلی می‌گیرد که تعمیم آن می‌تواند عواقب جدی به نظر داشته باشد. فساد و زددی‌های برخی از کسانی که مسئولیتی دارند و هر روز خبر آن را می‌خوانند و می‌شنوند. و… همه دست به دست هم دادند تا آن مردمی که سال ۱۳۵۸ اگر ۵۰۰ تومان حقوق می‌گرفتند و ۳۰۰ تومان خرج داشتند، باقی آن را به حسابداری اداره‌شان برمی‌گردانند؛ حالا نسبت به بسیاری از مسائل اعتراض و امتدادشان کاهش پیدا کرده است. یکی از دلایل مهم پیشان حالی مردم و دولت هم به سیاست خارجی بازمی‌گردد. گفتمان سیاست خارجی ما مربوط به دهه ۸۰ میلادی است که هنوز فروپاشی شوروی رخ نداده و جهان دوقطبی بود. مبارزه با امپریالیسم معنا داشت. بعد از فروپاشی شوروی هم اگر یک دهه همان سیاست استقرار پیدا می‌کرد، شاید عواقب منفی در بر نداشت اما در ۲۰ سال گذشته دنیا به سرعت تغییر کرده و این مفاهیم، معنا و بار ارزشی‌شان را از دست داده‌اند. طبیعی است که از آن زمان تاکنون دنیا متحول شده، جامعه متحول شده و دست‌گاه دیپلماسی حاضر نیست پایه‌های تحولات اجتماعی پیش بیاید و این فاصله‌ای که به وجود آمده به نفع دولت، ملت و کشور نیست.

چقدر امنیتی‌تر کردن فضا می‌تواند شرایط را بیچیده‌تر کند؟
نگاهی که دولت به پیرامون اجتماعی خود دارد، دو علت دارد؛ اول، این نگاه به دهه ۱۹۸۰ یا دهه ۶۰ شمسی بازمی‌گردد. این وضعیت الان تغییر کرده است. این مردمی که امروز اعتراض می‌کنند و شعار می‌دهند در همین نظام رشد کرده‌اند یا حتی از نیروهایی هستند که در این انقلاب سهم داشته‌اند. در واقع مردم توقعاتی داشتند که برآورده نشده و ناراحت هستند. دومین علت این است که آقایان فکر می‌کنند اگر ما سخت بگیریم، اتفاقی نمی‌افتد. من چون از زبان برخی از آقایان شنیدم این موضوع را مطرح می‌کنم، این دو موضوع با هم گره خورده است. شاید مقداری هم ال‌گوبرداری از چین است. البته چین از نظر اقتصادی پیش رفت و توانست مردم را به طرق مختلف راضی کرده و طبقه متوسط را گسترش دهد. این در حالی است که پس از هر اعتراض مردمی در ایران هیچ تغییری به سمت و سویی بهبودی رخ نمی‌دهد. دست روی دست می‌گذارند و با برجام هم مخالفت می‌کنند. چین هم به مرور متوجه شد سیستم اقتصادی بسته و هدایت‌شده را به جای نفع نمی‌برد، طرف اقتصاد آزاد را پذیرفت و تحولات اقتصادی ایجاد کرد. با این حال سیستم اجتماعی کمونیستی را حفظ کرد.اگر بخواهند روال سابق را در سیاست خارجی ادامه دهند، تحریم‌های کم‌رشدکن آسیب‌زاست. در ایران امروز نمی‌توان درها را بست. برخی مسئولان که خودشان و فرزندانشان به همه جای دنیا رفت‌وآمد دارند، بنابراین باید این سیاست را کنار بگذارند.

به نظر شما چه باید کرد؟
اگر همه چیز مثل ۳۰ سال پیش بود و دولت می‌گفت الان درگیر مذاکراتی هستیم و نیاز به کمک و همراهی مردم داریم، مطمئن باشمید که مردم می‌پذیرفتند و همراهی می‌کردند. اما در حال حاضر شرایط فرق کرده است. مردم در شرایط سخت معیشتی قرار دارند. از طرفی اخباری از داخل و خارج می‌شنوند که برخی از مسئولان در چه زندگی‌های اشرافی‌ای غرق شدند. از طرف دیگر محاسبات غلطی وجود دارد که اگر با معترضان برخورد نکنیم، اوضاع از کنترل خارج می‌شود. دولت باید با مردم صادقانه برخورد کند و جلوی زددی‌ها را بگیرد، شاید اوضاع فرق کند. الان مدت‌هاست پیوندهای فساد را مسکوت گذاشته‌اند. ماجرای سیسمونی نوه قالیباف پنهان است. مردم به این بخش که هویدا شده، حمله و نقد می‌کنند. اما این معنا نیست که مردم به خاطر چند قلم سیسمونی عصبانی شده‌اند. مردم از بسیاری چیزهای دیگر عصبانی هستند و هر چیز را بهانه می‌کنند تا

توصیه شما به دولت در مواجهه با اعتراضات و سیاست‌های پیش‌گرفته، چیست؟
دولت باید با مردم صادقانه برخورد کند. تنگ‌دستی‌ها را بگوید و اوضاع را شرح دهد، اما سخت‌گیری‌ها در حوزه اجتماعی را کمتر کند. مردم رسیدگی را به پیونده‌های ارتشا و اختلاس و… از سر گرفته شود. مردم را آرام کند.

دولت باید با مردم صادقانه برخورد کند. تنگ‌دستی‌ها را بگوید و اوضاع را شرح دهد، اما سخت‌گیری‌ها در حوزه اجتماعی را کمتر کند. مردم رسیدگی را به پیونده‌های ارتشا و اختلاس و… از سر گرفته شود. مردم را آرام کند.

دولت باید با مردم صادقانه برخورد کند. تنگ‌دستی‌ها را بگوید و اوضاع را شرح دهد، اما سخت‌گیری‌ها در حوزه اجتماعی را کمتر کند. مردم رسیدگی را به پیونده‌های ارتشا و اختلاس و… از سر گرفته شود. مردم را آرام کند.